

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 7, Autumn 2022, 135-156
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.37657.2323

A Critique on the Book
**"*Analysis of the Immaculate Conception of the Qur'an in the*
Teachings of the Qur'an and Sunnah"**

Askar Babazadeh Aghdam^{*}, Hossein Taktabar Firoozjaji^{**}

Mohammad Mahdi Roshan chasli^{***}

Abstract

Thought reviews and critiques of thought go back to ancient Greece and Aristotle's Poetry. Criticism aims to refine the public taste and educate the author's thought; in the meantime, critique of the books can also improve the quality of content and beauty. This study investigates the book "*Analysis of the Immaculate Conception of the Qur'an in the Teachings of the Qur'an and Sunnah*" based on the analytical-descriptive method. The weaknesses include lack of compelling title, typographical errors in the form of inaccuracies in the citation, ambiguity, repetition, generalization, lack of reference to the necessity of research, and lack of footing. The reason for this is that some content is basic and there is no innovation in the content category. At the same time, it has the following strengths: beautiful calligraphy with good handwriting, annotations, and many footnotes that sometimes show up in vague descriptions of words and expressions, and beautiful layouts.

* Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Holy Quran Sciences and Education, Iran (Corresponding Author), babazadeh@quran.ac.ir

** Associate Professor of Arabic Language and Literature, Qom University, Iran, h.taktabar@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Iran, MMroshan1046@pnu.ac.ir

Date received: 08/05/2022, Date of acceptance: 24/08/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Besides, the design on the cover could be much more beautiful than it is, for example, a picture of the miracle of the creation of the heavens or a picture of the staff of Moses, which turns into a dragon. Regarding the content, it also has strong points such as: coherence and logical order of the contents and its sequence and specialized view on the subject of miracles.

Keywords: Holy Quran, Book Review, Miracle, Incomparability of Quran, Aspects of Miracle

تحلیل و نقد کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت

عسگر بابازاده اقدام*

حسین تکتبار فیروزجایی**، محمدمهدی روشن چسلی**

چکیده

اندیشه نقد و نقد اندیشه به یونان باستان و بوطیقای ارسطو می‌رسد، نقد بر آن است تا ذوق عامه را تهذیب و فکر نویسنده را تربیت کند؛ در این میان نقد کتاب‌های تألیف‌شده می‌تواند به تقویت کیفی محتوا و زیبایی شکلی اثر منجر شود. این پژوهش، تحلیل و نقد شکلی و محتوایی کتاب «تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت» را با روش تحلیلی-توصیفی دنبال می‌کند. بر پایه یافته‌های پژوهش، این کتاب دارای نقاط قوتی از جمله حروف‌نگاری زیبا و فونت خوب، حاشیه‌نگاری و پاورقی‌های بسیار است که گاه در شرح و توضیح واژه‌ها و اصطلاحات مبهم خودنمایی می‌کند. غنای اطلاعاتی و ارزش آموزشی کتاب و قوت بعد پژوهشی آن و همچنین کیفیت منابع مورد استفاده و میزان امانتداری در ارجاعات کتاب نیز از دیگر نقاط قوت اثر به شمار می‌رود. با این همه انتخاب طرح جلد نامناسب، رعایت نکردن معیارهای اصولی طراحی جلد، تکرار مطالب، بی‌توجهی به اطلاعات و سابقه پیشینی مخاطبان، فقدان تناسب میان عنوان و محتوا، فقر نوآوری در محتوا و غفلت از وجوه مختلف اعجاز قرآن و دیدگاه‌های صاحب‌نظران این

* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
babazadeh@quran.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، ایران، h.taktabar@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، MMroshan1046@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

عرصه و به طور کلی فقدان نگاه تخصصی به اعجاز قرآن، از مهم‌ترین نقاط ضعف آن به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نقد کتاب، اعجاز، همانندناپذیری قرآن، وجوه اعجاز.

۱. مقدمه

شاید مهم‌ترین و در عین حال پرچالش‌ترین بعد قرآن - به عنوان سند دین مبارک اسلام - معجزه بودن آن باشد. از قرون اولیه اسلامی، مفسران و دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان، آثار مختلفی پیرامون وجوه مختلف اعجاز قرآن کریم به سامان رسانده‌اند که برخی از این آثار، در قالب نظریه‌ها و آرا و دیدگاه‌ها و برخی دیگر در قالب گردآوری‌ها و تفاسیر و رساله‌ها و ... عرضه شده است. برآیند این آثار نشان از آن دارد که هر پژوهشگری از دو جنبه لفظی و معنوی به این بُعد از کتاب الهی نگریسته است و در این میان، مباحث مشترک و متفاوت فراوانی در این آثار طرح شده است که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد. با این حال، اطلاع از ماهیت اعجاز، وجوه و چرایی و چگونگی آن برای هر مسلمانی، اهمیت خاصی دارد تا بتواند از رهگذر آن، از حقایق مکتب و آیین خود اطمینان حاصل کند.

در سال‌های اخیر، با گسترش آموزش عالی و مراکز دانشگاهی و تأسیس رشته‌های الهیات و علوم قرآن و حدیث، استادان و مدرسان این مراکز و رشته‌ها، به تألیف آثاری فراخور نیاز دانشجویان این رشته‌ها رو آوردند. لزوم نگارش آثاری منطبق با اهداف و ماهیت این مراکز و رشته‌ها، صاحب‌نظران را بر آن داشته تا در آثار تألیفی، تناسب با نیازهای مخاطبان و زمینه‌سازی برای پاسخگویی به سؤالات و شبهات را در دستور کار خود قرار دهند. (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۵) تأسیس مراکز و شوراهای نقد متون، گامی در جهت رسیدن به این اهداف به شمار می‌رود. گفتار حاضر با ملاحظه این ضرورت، بر آن است تا یکی از آثار مهم و پیشگام در حوزه اعجاز قرآن را از منظر اصول و روش‌شناسی تألیف کتب دانشگاهی ارزیابی کند. مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش در قالب دو پرسش زیر طرح شده است: ۱- مهم‌ترین محاسن و معایب شکلی و محتوایی کتاب *تحلیل همانندناپذیری قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت* کدام است؟ ۲- این کتاب تا چه حد می‌تواند انتظارات دانشجویان مقطع دکتری را در درس اعجاز قرآن کریم برآورده کند؟

کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت اثر حجه‌الاسلام فتح‌الله نجارزادگان، شامل ۱۸۲ صفحه از منشورات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) است که در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار منتشر شده است. کتاب دارای یک مقدمه و دو بخش است. بخش اول با عنوان آموزه‌های اساسی در تبیین معجزات شامل سه گفتار است که در گفتار اول به معناشناسی معجزه، پیشینه و ضرورت پژوهش؛ در گفتار دوم به حکمت نیاز به معجزات و در گفتار سوم به انتظار از معجزات می‌پردازد. بخش دوم هم با عنوان تبیین همانندناپذیری (اعجاز) و حقانیت قرآن، شامل پنج گفتار به شرح ذیل است: گفتار اول: ادله اثبات اعجاز قرآن؛ گفتار دوم: وجوه اعجاز قرآن در قرآن؛ گفتار سوم: وجوه اعجاز قرآن در استنباط قرآن پژوهان؛ گفتار چهارم: فرآیند تحدی و تهدید و گفتار پنجم: معناشناسی مثل و معیارهای مثلث در آیات تحدی.

۲. پیشینه تحقیق

مسأله اعجاز قرآن، یکی از عرصه‌های پرمناقشه و چالش‌برانگیز در علوم و معارف قرآنی است و از دیرباز دانشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی، مباحث درازدامنی را در این عرصه ارائه داده‌اند. با این حال، هنوز حرفهای ناگفته بسیاری نیز هست که مجال بروز و ظهور نیافته‌اند. از سویی دیگر، تلاقی آرا و دیدگاههای مختلف درباره وجوه اعجاز قرآن، به نوعی نقد یکدیگر به شمار می‌رود و بر این اساس، باب مناقشه در این حوزه همچنان باز است و جای پژوهشهای دیگری در این عرصه خالی است. در این میان در خصوص موضوع پژوهش حاضر، که بررسی و نقد کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت است، تاکنون پژوهشی سامان نیافته است. تنها جلسه‌ای با حضور مؤلف محترم کتاب و دو تن از ناقدان به نام‌های علی راد و محمدعلی محمدی در پردیس فارابی دانشگاه تهران در دیماه ۱۳۹۸ تشکیل شده است که در آن، کتاب به لحاظ ساختاری و محتوایی ارزیابی شده است. از آنجایی که نقد شفاهی به سبب آسیب‌هایی چون تجامل و برخی محذورات و همدلی‌ها، شاید نتواند امکان رسیدن به نتیجه مطلوب را فراهم کند، نویسندگان بر آن شدند فارغ از این آسیب‌ها به بررسی و نقد کتاب اقدام کنند.

۳. فتح‌اله نجارزادگان

فتح‌اله نجارزادگان متولد ۱۳۳۷ شمسی در اصفهان، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری علوم قرآن و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است. او علاوه بر این، دارای تحصیلات حوزوی نیز بوده و از محضر اساتیدی چون محمدهادی معرفت، جوادی آملی، هاشمی شاهرودی و مصباح یزدی بهره برده است. از سوابق آموزشی وی می‌توان به تدریس دروس اصول فلسفه، علوم قرآن، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول‌الدین و مدارس جهانی علوم اسلامی و دانشگاه تهران اشاره کرد.

وی دارای آثار متعدد پژوهشی است و از مهم‌ترین کتاب‌های وی می‌توان به *سلامه القرآن من التحریف* - کتاب برگزیده سال ۱۳۸۳ جمهوری اسلامی - و *ویژگی‌های امام علی (ع)* - کتاب سال ۱۳۸۳ حوزه علمیه در بخش ترجمه - مجموعه *تراث الشیعه القرآنی* - حایز رتبه دوم سومین همایش اهل قلم اصفهان در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد. نجارزادگان، مؤلف حدود صد مقاله علمی چاپ‌شده در نشریات داخلی و بین‌المللی نیز هست که موضوع و محتوای آنها نشان‌دهنده کثرت و وسعت مطالعاتی وی و در عین حال تسلطش بر موضوعات قرآنی و حدیثی است. (نک: najarzadegan.ir)

۴. ارزیابی ساختاری کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت

ساختار کتاب‌های درسی دانشگاهی با توجه به اهداف آموزشی و نوع درس می‌تواند متفاوت باشد. داشتن ساختار مناسب، تأثیر زیادی در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری دارد. (رضی، ۱۳۸۸: ۲۷) بنابراین ظاهر بیرونی کتاب، ساختار مناسب و منسجم، عنوان، فهرست مطالب و حجم آنها، سبک و زبان مناسب، صفحه‌آرایی، پاورقی‌ها و خاتمه‌نویسی، در یادگیری و کاربست محتوای اثر تأثیر فراوانی دارد. (زارع برمی، ۱۴۰۰: ۱۰۰)

۱,۴ طرح جلد

با توجه به اینکه بیشتر افراد، کتاب را بر اساس جلد آن قضاوت می‌کنند و به نوعی اولین راه ارتباطی نویسنده با خواننده، جلد کتاب است، لذا انتخاب طرح جلد مناسب، اهمیت بسیار دارد. تصاویر و فونت انتخاب شده در جلد باید بهترین کیفیت را داشته باشد و در سریع‌ترین زمان ممکن، با مخاطب ارتباط برقرار کند. رنگ‌بندی طرح روی جلد نیز باید به گونه‌ای انتخاب شود که عنوان در آن بیشتر به چشم آید. در طراحی روی جلد کتاب می‌توان از روش اسرارآمیز بودن نیز استفاده کرد؛ بدین معنا که ذهن بیننده کتاب را مشغول و مشتاق به خواندن کتاب کند. (غلامعلی پورزندی، ۱۳۹۹: ۳۸) همچنین باید تا حد امکان از پیچیدگی طرح، خودداری و از طرحی ساده استفاده کرد. طرح جلد کتاب مورد بحث، از علائم و تصاویر خالی است و از ترکیب دو رنگ خاکستری در قسمت حاشیه‌ها و زرد طلایی در قسمت مرکزی تشکیل شده است. با توجه به اینکه نوع رنگ به کار رفته در طرح جلد بایستی با محتوای اثر مرتبط باشد و برای مثال اگر کتابی با موضوع بورس و اقتصاد باشد، نبایستی از رنگ قرمز در آن استفاده کرد و برعکس اگر کتابی با موضوع ادبیات مقاومت باشد، معمولاً از رنگ قرمز در جلد آن استفاده می‌شود (همان، ۳۹)، به نظر می‌رسد رنگ خاکستری و زرد به دلیل داشتن مفهوم اعتبار و دانش و دوستانه و گرم بودن، با محتوای اثر ارتباط برقرار نکرده است. بهتر بود در طرح جلد کتاب از رنگ آبی که به مفهوم اعتماد، آرامش و تفکر است و در فرهنگ اسلامی، رنگ مقدسی است و از احترام خاصی برخوردار است، استفاده می‌شد؛ زیرا رنگ آبی، رنگ آسمان است که جایگاه خدا و فرشتگان و موجودات پاک است و بر همین اساس است که گنبدها و مناره‌های مساجد و زیارتگاه‌ها را همچون پل ارتباطی میان زمین و آسمان، به رنگ آبی می‌سازند. (علی‌اکبرزاده، ۱۳۷۵: ۶۳) رنگ سبز نیز که به مفهوم زندگی و حیات است، جایگزین خوبی برای رنگ جلد این کتاب می‌توانست باشد.

نوع قلم به کاررفته در عبارت عنوان هم نستعلیق است که هر چند در بسیاری از کتاب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما معمولاً در عنوان کتاب‌ها در طرح جلد، از قلم‌های بی‌زر، بی‌نازنین و بی‌لوتوس استفاده می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۱: ۵۴). سادگی طرح جلد کتاب یادشده از لحاظ استفاده از اشکال و تصاویر مختلف هر چند قابل توجه است، اما اگر از محتوای اثر دیدگاهی کلی بر روی جلد ظاهر می‌شد، خالی از لطف نبود؛ به عنوان مثال، ذکر آیه‌ای

از قرآن با موضوع اعجاز یا تصویری ساده و گویا از معجزات قرآن، در پس زمینه جلد به خوبی می‌توانست طرح جلدی اصولی و زیبا ارائه دهد.

۲,۴ عنوان کتاب

عنوان هر اثر جلوه‌ای از هویت آن و فشرده‌ای منضبط از محتوای آن است. (حرّی، ۱۳۸۱: ۱۰) هر چند عنوان یک پژوهش از کلماتی محدود شکل می‌یابد، اما این کلمات در جلب نظر و توجه و حتی در میزان یادگیری و فروش اثر نیز تأثیرگذار است. صاحب‌نظران، اصولی چون جزئی بودن، گویایی، اختصار، دقت و جذابیت را برای عناوین آثار علمی، ضروری برشمرده‌اند. (خاکی، ۱۳۹۰: ۱۰) در عنوان بایستی از آوردن واژه‌های «بررسی...»، «تحقیق درباره...»، «مطالعه...» و ... تا حد امکان خودداری کرد؛ زیرا پژوهشی که انجام می‌شود، خود بررسی و مطالعه علمی موضوع است. (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۶۳) با نگاه به عنوان کتاب مورد بحث، احساس می‌شود نویسنده تلاش کرده جذابیت و طرح تازه موضوع مورد بررسی خود را نشان دهد، اما استفاده از واژه «تحلیل» در عنوان کتاب، بجای نیست؛ چرا که اساس هدف مؤلف محترم در اثر خود، تحلیل بوده است. نکته دیگری که با نگاه به عنوان کتاب به ذهن می‌رسد کاربرد واژه «هماندناپذیری» است. هر چند نویسنده خواسته با استفاده از این واژه، ادبیات متمایزی در موضوع اعجاز قرآن ارائه دهد، اما این کلمه نمی‌تواند جایگزین خوبی برای واژه اعجاز باشد. به نظر می‌رسد هماندناپذیری را بتوان برای هر اثری که برای اولین بار خلق می‌شود، به کار برد، اما زمانی که مشابه و نمونه پیشرفته آن تولید شد، آن اثر قبلی از حیث هماندناپذیری ساقط می‌شود. مثلاً وقتی برای اولین بار هواپیما اختراع شد، ذهن بشر، آن را هماندناپذیر قلمداد می‌کرد، اما با پیشرفت تکنولوژی و تولید هواپیماهای پیشرفته، کاربرد مفهوم هماندناپذیری برای آن بی‌مورد است. لذا به سبب توافقی که عموم برای معجزه بودن قرآن دارند، هیچ واژه‌ای بهتر از «اعجاز» برای قرآن زیبا و رسا نمی‌نماید. ذکر واژه «سنت» در عنوان کتاب نیز این انتظار را ایجاد کرده که مؤلف محترم هم از روایات شیعه و هم از روایات اهل سنت بهره بگیرد، در حالی که صرفاً به روایات شیعه بسنده نموده است.

۳,۴ صفحه آرای و زبان نگارش

از برجسته‌ترین خاصیت‌های ظاهری این کتاب، می‌توان به زبان نوشتاری صریح و گویا و صفحه‌آرای زیبایی آن اشاره کرد. قلم به کاررفته در کتاب، قلمی مناسب برای متن فارسی و خواناست. پاراگراف‌بندی‌های بجا و کوتاه - جز در مواردی اندک که پاراگراف‌های طولانی و خسته‌کننده، در صفحات ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۵۱ و ۵۲ خودنمایی می‌کند - اندازه تیرها و مثال‌های عربی که با فونتی ضخیم و متفاوت از متن فارسی در سراسر کتاب چشم‌نوازی می‌کند و جمله‌بندی‌های مطلوب کتاب که اغلب کوتاه، زودپای و آسان‌فهم است، جلوه ظاهری مطلوبی به کتاب بخشیده است. تورفتگی‌های ابتدای پاراگراف‌های دوم به بعد در هر صفحه به خوبی اعمال شده است. فاصله بین خطوط ۱/۱۵ سانتی‌متر است. در سر صفحه‌ها نام فصل و عنوان زیرمجموعه‌ها درج شده است. زیرنویس‌های هر صفحه با قلم ریزتر نوشته شده و هر صفحه از ۲۴ سطر تشکیل شده است که برای کتاب‌های با قطع وزیری مناسب است. حاشیه‌گذاری‌های هر صفحه از چهار سمت به صورت کامل رعایت شده است. اغلاط تایپی بسیار نادر و کمی بیشتر از تعداد انگشتان یک دست است. تنها نکته‌ای که پیشنهاد می‌شود، این است که آیات شریف داخل پرانتز گل‌دار قرار داده شود تا نمای کتاب زیباتر شود.

۵. ارزیابی محتوایی کتاب

کتاب حاضر در یک مجموعه ۱۸۲ صفحه‌ای شامل درآمد و در دو بخش، سازمان یافته است. بخش اول با عنوان «آموزه‌های اساسی در تبیین معجزات» در سه گفتار و بخش دوم با عنوان «تبیین همانندناپذیری (اعجاز) و حقایق قرآن» در پنج گفتار ساماندهی شده است. مؤلف محترم در جلسه نقدی که با حضور دو تن از اساتید این رشته تشکیل شد، مدعی نوآوری‌هایی بی‌سابقه در کتاب شدند. این پژوهش تلاش می‌کند مدعای ایشان را بر اساس برخی مؤلفه‌های ارزیابی کتب درسی دانشگاهی بررسی کند.

۱،۵ جامعیت و روزآمدی کتاب

منظور از جامعیت یک اثر آن است که مباحث آن بیشترین پوشش ممکن را در پرداختن به مباحث و منابع مرتبط با محور بحث خود داشته باشد. هر چند در عمل از هیچ اثری نمی‌توان انتظار جامعیت به معنای کامل آن داشت، اما دست‌کم می‌توان انتظار جامعیت نسبی را از آن داشت. به این معنا که بیشتر مخاطبان اثر، با مطالعه آن، به اغلب مباحث مورد نظر دست یابند. (رضی، ۱۳۸۸: ۲۲) نویسنده در این اثر تلاش نموده با ارائه طرحی نو در مسأله اعجاز قرآن و اثبات آن، از تکرار مطالب پیشین خودداری کند. نگاهی به فهرست مطالب کتاب، حاکی از آن است که نویسنده تا حدود زیادی توانسته جامعیت نسبی را به دست آورد. گفتار دوم از بخش اول «حکمت نیاز به معجزات»، به همراه دو فصل زیرمجموعه‌اش، از جمله مطالب جدیدی است که این اثر در مقایسه با منابع مشابه دارد. با این حال، مطابق انتظاری که از عنوان کتاب ایجاد می‌شود، لازم بود نویسنده پس از تعریف معجزه، وجوه و انواع اعجازهای قرآنی را بررسی می‌کرد و آنگاه وارد تحلیل‌های بعدی می‌شد. از این رو طبق تعریفی که از جامعیت کتاب ارائه شد، وجوه مختلف موضوعی در این اثر به خوبی پوشش داده نشده است. علاوه بر آن، کاربرد کلمه «سنت» در عنوان هم این انتظار را ایجاد کرده که نویسنده محترم فصلی را به مقوله اعجاز از دیدگاه سنت اختصاص دهد که در متن کتاب، به این مهم توجهی نشده است. نمود سنت در این کتاب بسیار کم‌سو و ناچیز است به حدی که اگر این واژه از عنوان حذف شود، هیچ خللی در ساختار فعلی کتاب ایجاد نمی‌شود.

یکی از مولفه‌های مهم در ارزیابی جامعیت یک اثر، شناسایی و بهره‌مندی مؤلف از مجلات و مؤلفان هسته رشته خود است. با نگاهی به منابع یادشده در پایان کتاب، هیچ اثری از مجلات علمی دیده نمی‌شود. با این حال، کثرت منابع این کتاب یکی از امتیازات برجسته آن تلقی می‌شود و استفاده از منابع مهمی همچون *فکره اعجاز القرآن* نعیم الحمصی، *اعجاز القرآن* مصطفی رافعی نشان از توجه مؤلف محترم به مؤلفان هسته دارد.

مؤلفه دیگر در ارزیابی جامعیت یک اثر، فراتر رفتن آن اثر در مقایسه با آثار مشابه در زمینه موضوعی است. (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۰) گفتار اول و سوم از بخش اول، در اغلب منابع نگاشته‌شده در موضوع اعجاز، وجود دارد و نوآوری خاصی در آن دیده نمی‌شود. گفتار اول، سوم، چهارم و پنجم از بخش دوم نیز به طور کلی در اکثر منابع از جمله *اعجاز*

القرآن فضل حسن عباس و مباحث فی اعجاز القرآن مصطفی مسلم وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت موضوع اعجاز قرآن، که محور کتاب حاضر است، نتوانسته تا حد مطلوب تحولات موضوعی رشته مورد بررسی خود را نشان دهد. از این رو پیشنهاد می‌شود نویسنده با مراجعه به آخرین یافته‌های موجود در مجموعه مقالات سمینارها و منابع الکترونیکی، محتوای کتاب را روزآمد و جامعیت آن را به حدی قابل قبول برساند.

۲,۵ توان استنادی کتاب

منظور از توان استنادی یک اثر این است که مطالب آن چگونه و با چه کیفیت و کمیتی در مقایسه با منابع پیشین با موضوع مشابه، نوشته شده است. البته هیچ اثری نمی‌تواند در فضایی خالی و به صورتی ناگهانی تولید شود و نویسنده هم نمی‌تواند تمامیت آن را یکسره متعلق به خود بداند، ولی افزودن مطلب و محتوایی تازه به مطالب آثار پیشین انتظاری است که از آثار تألیفی و تحقیقی همیشه مطرح است. کثرت پژوهش‌های نویسنده کتاب مورد بحث، حاکی از وسعت اطلاعاتی وی و تسلطش به منابع و مدارک موجود در زمینه علوم قرآنی است و این مقوله، در منابع مورد استفاده کتاب خود را نشان داده است. استناد به حدود ۱۱۰ منبع در کتابی ۱۸۰ صفحه‌ای که آثار معتبر فراوانی در لابلای آنها مشاهده می‌شود، توان و ارزش استنادی کتاب را بالا برده است. هرچند برخی منابع با موضوع اعجاز نیز وجود دارد که استفاده و مراجعه مؤلف محترم بدانها خالی از لطف نبود؛ همچون آثار فضل حسن عباس، مصطفی مسلم و...، که در این کتاب مغفول مانده است. آثار هسته و تأثیرگذار مرتبط پیشین همچون فکره اعجاز القرآن نعیم الحمصی، البرهان فی علوم القرآن زرکشی، اعجاز القرآن باقلانی و الاعجاز فی دراسات السابین عبدالکریم خطیب بارها در این اثر مورد استناد بوده و در غنای مطلب موثر بوده است.

از دیگر مولفه‌هایی که در توان استنادی کتاب تأثیر مثبت داشته، امانت‌داری در استفاده از منابع مختلف است. نویسنده، ارجاعات و استنادات خود را با نهایت دقت و وسواس انجام داده و اثر خود را در این خاصیت برجسته نموده است. اما یک نمونه از بی‌دقتی از ارجاعات در صفحه ۶ مشاهده می‌شود؛ آنجا که به نقل از ابن فارس می‌نویسد: «ع.ج.ز. أصلان صحیحان یدلّ أحدهما علی الضعف و الآخر علی مؤخر الشیء». (نजारادگان، ۱۳۹۷: ۶) حال اگر به کتاب ترتیب مقایسه اللغه مراجعه کنیم، می‌بینیم که چنین است: «العین و

الجیم و الزاء أصلان صحیحان يدلّ أحدهما على الضعف و الآخر على مؤخر الشیء». (ابن - فارس، ۱۳۶۶: ۶۱۱)؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، ابن فارس «العین و الجیم و الزاء ...» آورده، اما نویسنده محترم حروف را خلاصه کرده و به جای حرف عطف واو، نقطه گذاشته است. از طرفی هم در ترجمه این عبارت کمی بی‌دقتی شده است: «عجز کلمه صحیح از دو ریشه است: یکی بر ضعف و ناتوانی و دیگری بر آخر هر چیزی دلالت دارد.» (نجارزادگان، ۱۳۹۷: ۶) در حالی که با دقت در ترتیب مقایس اللغه و خواندن مقدمه کتاب متوجه می‌شویم که منظور ابن فارس از أصلان صحیحان، دو معنای اصلی جدا از هم است نه دو ریشه؛ چراکه لفظ دو ریشه داشتن برای واژه‌ای در زبان عربی، مخاطب را به این مسأله رهنمون می‌شود که مثلاً «عجز» یک بار از ریشه «عَجَزَ» است و بار دوم از ریشه فرضاً «زَعَجَ» است. در حالی که مقصود ابن فارس این است که واژه دارای دو معنی اصلی است که ارتباطی با یکدیگر ندارند. وقتی ابن فارس می‌گوید: «له أصلان»؛ یعنی آن کلمه در آغاز برای دو معنای مستقل و بی‌ارتباط با هم وضع شده است. (طیب حسینی، ۱۳۹۶: ۵۲). بنابراین با دریافت درست مقصود نویسنده، ابهام از ترجمه زدوده می‌شود.

از جمله سؤالات مهمی که باید در ارزیابی توان استنادی یک منبع ملاک قرار گیرد، این است که تا چه میزان نویسنده به آراء موافقان و مخالفان موضوع خود توجه داشته است؟ (نک: منصوریان، ۱۳۹۲: ۷). یکی از ناقدان در جلسه نقد شفاهی این کتاب می‌گوید:

من تلاش کرده‌ام ذهنم را در نقد این اثر فراتر از الهیات شیعی ببرم، لذا تصور کرده‌ام که این نقد نه در قم و پردیس فارابی، بلکه در مرکز و گفتمان دیگری فارغ از الهیات شیعه در حال نقد است. وی با بیان اینکه من برای پرهیز از همدلی‌های ناخواسته که در نقد رخ می‌دهد، به ارزیابی و خوانش متن پرداخته‌ام، افزود: سؤال من این است که این اثر چه میزان در ذهن یک فرد غیرمسلمان کارآمد است. البته اگر گفته شود برای غیرمسلمانان نوشته نشده، نقد من بر باد است. این ناقد با بیان اینکه ایشان نگاه بین‌المللی دارند، تصریح کرد: انتظار دارم که در چاپ و ویراست بعدی تغییراتی با این نگاه بیان شود تا یک خواننده غیرمسلمان بتواند از آن بهره برده و اقیاع شود (hawzanews.com/877597).

محتوای بیان ناقد محترم به خوبی حاکی از آن است که مؤلف در موضوعات این کتاب به نظرات مخالفان موضوع که همان اعجاز قرآن است، عنایتی ننموده و تمام تلاشش بر آن

بوده تا اعجاز قرآن را از دید قرآن به بحث و بررسی بنشینند. در میان منابع این اثر، مستندی که در آن به مخالفت با موضوع اعجاز قرآن پرداخته شده باشد، مشاهده نمی شود. در فصول و بخش‌های مختلف کتاب هم هیچ مطلبی از مخالفان اعجاز قرآن و کسانی که در موضوع اعجاز قرآن شبهه افکنی نموده و آن را به چالش کشیده‌اند، دیده نمی شود. بنابراین پیشنهاد می شود بررسی مجدد این موضوع و حداقل بررسی سیر تاریخی اعجاز از دیدگاه مخالفان و به ویژه نظرات برخی مستشرقان در این خصوص، در ویراست‌های بعدی کتاب لحاظ شود تا ارزش استنادی کتاب تقویت شود.

طبق نظر یکی از داوران محترم، نویسنده در کتاب حاضر دارای قلم علمی و خالی از حشو و زوائد است. مطالب سریع و لخت بیان شده است. (همان) و آنچه این ویژگی را در کتاب بیش از پیش زیباتر کرده، ارجاعات و توضیحات فراوان در پاورقی‌های صفحات است. این عمل باعث شده تا مطالب و جملات کوتاه‌تر شده و یادگیری برای خوانندگان آسان‌تر شود و هر جا که نیاز به فهم بیشتر است، به پاورقی رجوع کند. اضافه بر آن با منابع بیشتر در حوزه آن مطلب آشنا شود.

۳,۵ طرح سؤال‌های نو و گشودن افق‌های تازه

کتاب‌های درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای نقل و انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آنان بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوشگری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد. (رضی، ۱۳۸۸: ۲۳) در کتاب مورد بحث، نویسنده محترم به خوبی به این مهم واقف بوده و در درآمد کتاب می‌نویسد: «دانشجو باید به جای حفظ و ازبر کردن مطالب به کاوش و تفکر روی بیاورد و خلاقیت خود را در پاسخ به نقاط ابهام و چالش‌ها به نمایش گذارد ...» (نک: درآمد کتاب) نویسنده، خود برای رسیدن به هدف، در پایان هر مبحث، بخشی را تحت عنوان «پژوهش» آورده و در آن سؤال‌اتی را در رابطه با موضوع بحث، مطرح نموده است. این عمل باعث شده خواننده با مهم‌ترین مسائل پژوهشی مرتبط با هر موضوع آشنا و به نوعی آدرس پژوهشی دریافت کند. هر چند برخی از سؤالات مطرح شده در این بخش‌ها، ارزش پژوهشی جدی

ندارد؛ برای نمونه، سؤال‌هایی که با آیا شروع می‌شود و پاسخ آن بلی یا خیر است، ارزش پژوهشی ندارد. سؤال پژوهشی باید به مسأله و کیفیت پردازد و فرآیندگرا باشد. یکی دیگر از نکاتی که در این میان به محتوای کتاب ضربه زده است، تکرار برخی مطالب بدون ملاحظه مقام و بی‌توجه به مخاطب است. بسته به نوع مخاطب و نوع آموزش، تکرار مطالب یا مفاهیم می‌تواند مفید باشد یا فایده‌ای بر آن مترتب نشود؛ مثلاً اگر مخاطبان کتاب، در مراحل آغازین آموزشی باشند و به اعتباری نسبت به خبر خالی‌الذهن باشند، عقل ایجاب می‌کند که مطالب تکرار شوند، در حالی که مخاطبان کتاب مورد بحث، دانشجویان دکتری رشته علوم قرآن هستند و تکرار مطالب ابتدائی باعث خستگی ایشان شده و علاقه آن‌ها را به درس و کلاس کم خواهد کرد. مباحث مربوط به آیات تحدی در گفتار اول از صفحه ۵۱ تا ۶۷ و گفتار چهارم از صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۱ بخش دوم کتاب تکرار شده است. همچنین حدود یک سوم مطالب کتاب به بحث‌های بدیهی اعجاز از جمله تعریف لغوی و اصطلاحی اعجاز، معجزه و علل نیاز به معجزه اختصاص داده شده است. این مباحث هم در دوره کارشناسی و هم در دوره ارشد دروس مربوطه مطرح شده و دانشجویان به وضوح با آن آشنایی دارند. لذا طرح این مباحث، آن هم با این حجم، به تازگی محتوایی و افق‌نگرانه کتاب خلل وارد نموده است. پیشنهاد می‌شود نویسنده محترم در چاپ‌های بعدی درباره این بخش‌ها تجدید نظر نمایند.

۴,۵ توان آموزشی کتاب

زمانی که صحبت از نقد کتب درسی می‌شود، می‌بایست به این نکته واقف بود که اولین هدف کتب درسی، به ویژه کتب درسی دانشگاهی، انتقال پیام آموزشی است؛ به عبارت دیگر در نقد کتب درسی دانشگاهی نمی‌توان و نباید بعد آموزشی آن را نادیده گرفت. (نیلی احمدآبادی، ۱۳۹۶: ۲۲۱) در رعایت اصول و ابعاد آموزشی کتب، صاحب‌نظران نکاتی را مطرح کرده‌اند (همان، ۲۲۰) که گفتار حاضر تلاش خواهد کرد کاربردی آنها را در کتاب یادشده مورد مذاقه قرار دهد.

۱,۴,۵ توجه به ویژگی‌های مخاطبان

منظور از ویژگی‌های مخاطبان، پیش‌دانسته‌ها یا دانش موجود یادگیرندگان (مخاطبان و کسانی که کتاب برای آنها نگاشته شده) در رابطه با موضوع است. سبک یادگیری مخاطبان، هوش، سطح شناخت و رشد آنها در این بخش جای می‌گیرد.

مطابق سخن ناشر این کتاب، اثر یادشده برای دانشجویان مقطع دکتری علوم قرآن تألیف شده است و مخاطبان اصلی اثر، ایشان هستند. حال باید دید محتوای کتاب با اطلاعات قبلی و پیش‌آموخته‌های آنان در مقاطع تحصیلی قبلی چه ارتباطی دارد؟ آیا آموخته‌ها و مطالعات قبلی آنان را تکمیل می‌کند و معلوماتی به معلومات قبلی آنان در حوزه اعجاز می‌افزاید؟ به نظر می‌رسد نگاهی به منابع درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد این رشته، پاسخ این سؤال را بدهد. در سرفصل دروس مقطع ارشد رشته علوم قرآنی ابلاغی وزارت علوم ۱۳۹۲/۴/۳۰، ص ۴، دروس سیر تطور وجوه اعجاز قرآن، اعجاز قرآن، اعجاز علمی قرآن ۱ و ۲ و بررسی نظریه صرفه و آیات تحدی، هر کدام به ارزش ۲ واحد تعریف شده است. نگاهی به سرفصل‌های این دروس، (در صفحات ۳۴ تا ۴۳ این ابلاغیه) و مقایسه آن با فهرست مطالب کتاب مورد بحث نشان از آن دارد که کتاب یادشده ویژگی‌های مخاطبان را رعایت ننموده است و چنانچه این کتاب برای دانشجویان مقطع ارشد معرفی شود، بهتر است.

۲,۴,۵ جلب و حفظ توجه مخاطبان

برانگیختن توجه مخاطبان از پیش‌شرط‌های هر نوع یادگیری است و در اغلب فهرست‌های یادگیری جزو اولین موارد ذکر می‌شود. برای جلب توجه در پیام‌های نوشتاری، می‌توان به مواردی از قبیل طول جمله‌ها، طول پاراگراف‌ها، شکل و رنگ حروف، طریق طراحی، تضاد یا کنتراست رنگ اشاره کرد. صاحب‌نظران حوزه آموزش و روانشناسی از این پدیده تحت عنوان مؤلفه خوانایی یاد کرده‌اند و نظریه خوانایی متن را ارایه داده‌اند. آنان قابلیت خوانایی را از نکات مهم در فرایند آموزش دانسته و بر این باورند که اگر متنی فاقد چنین قابلیت باشد، فراگیر، مطلب را بدون درک، فقط حفظ خواهد کرد. بنابراین چنین محتوایی به سرخوردگی فراگیر و فقدان اعتماد به نفس در وی منجر خواهد شد. (ملکی، ۱۳۸۴: ۶۱) درباره رعایت این مؤلفه در کتاب مورد بحث، به جرأت می‌توان ادعا کرد که نویسنده

محترم به خوبی از عهده این مهم برآمده و استادی خود را نشان داده است. استفاده از جملات کوتاه و ساده، علی‌رغم اینکه مخاطبانش دانشجویان دکتری بوده‌اند و پاراگراف‌های کوتاه و قابل درک نقش مؤثری در این زمینه ایفا کرده است. هر جا هم که نقل قولی آمده، با عبارت‌هایی کوتاه، توضیح داده شده و این کار باعث شده که متن اصلی و منقول به خوبی از هم تفکیک شود. هنر معلمی نویسنده آنجا بیشتر خودنمایی می‌کند که برای توضیح بیشتر برخی مفاهیم و اصطلاحات، با ارجاع به پاورقی، جملات و بندهای کوتاه درست شده و پیشاپیش خواننده را از خستگی رها کرده است. علاوه بر آن، واژگان خاص از قبیل اسامی خاص و اشخاص، با قلم ایتالیک مشخص شده و ظاهر متن کتاب را بسیار چشم‌نواز و زیبا ساخته است.

۳،۴،۵ ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای خوانندگان

کتاب دانشگاهی ماهیتی آموزشی دارد و قرار است دانش، تخصص یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد یا او را به پیگیری موضوع تشویق کند. بنابراین لحن و شیوه بیان نویسنده باید تا آنجا که ممکن است با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های علمی این نظریه‌ها همخوانی داشته باشد. پرسش‌های زیر می‌تواند در ارزیابی این معیار، مؤثر باشد. مثلاً آیا نویسنده به پرسش‌های پرتکرار خوانندگان اندیشیده است؟ تا چه میزان مخاطب اصلی بدون نیاز به کمک، می‌تواند مطالب کتاب را درک کند؟ آیا تمرین‌های عملی و مسایلی برای تفکر در کتاب موجود است؟ و آیا برای آشنایی مخاطبان با مفاهیم خاص، واژگان تخصصی تعریف شده است؟ (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۴) به عبارت دیگر، آیا نویسنده به فکر ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای مخاطب بوده است؟ مؤلف، این کار را با طرح نکات و سؤالات چالش‌برانگیز برای مخاطبان و ایجاد شرایط تأمل نقادانه و شرح و بسط بیش‌تر، باید انجام دهد و زمینه را برای یادگیری مخاطبان فراهم کند.

اگر مؤلف، خود مدرس و معلم در زمینه موضوعی خاص باشد و بخواهد دست به تألیف بزند، اثر وی به سبب تجربه و آشنایی با کلیات موضوع و نیازهای مخاطبان، به احتمال زیاد، اثری قابل قبول از لحاظ آموزشی خواهد بود. اگر نگاهی به سابقه تحصیلی و آموزشی نگارنده کتاب مورد بحث بیندازیم، خواهیم دید که ایشان هم سابقه تحصیلاتی و هم سابقه تألیف و پژوهش در زمینه اعجاز قرآن را دارد و تسلط وی به این حوزه کاملاً مشهود است. بنابراین با نیاز مخاطبان به طور کامل آشنا بوده و در پایان هر فصل، بخشی را

تحت عنوان «پژوهش» گنجانده و سؤالاتی را برای ایجاد فرصت تأمل و پژوهش مخاطبان قرار داده است. اغلب این سؤالات، پرسش‌هایی دقیق و پژوهشی است و باعث می‌شود خوانندگان به مطالعه بیشتر سوق پیدا کرده و با مراجعه به منابع دیگر، اطلاعات خود را توسعه دهند. البته چنانچه مؤلف محترم موضوع و تحلیل برخی سؤالات را در لابلای مباحث کتاب مطرح می‌نمود، ارزش اطلاعاتی و تحلیلی کتاب بیش‌تر از پیش می‌شد.

۶. میزان مطابقت محتوای علمی کتاب با مبانی و اصول اسلامی

فحوای کتب درسی دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت فراوانی در اسلامی سازی دانشگاهها و عملیاتی کردن اهداف دست‌اندرکاران امور آموزشی، پژوهشی و فرهنگی دارد. محتوای کتاب حاضر نیز بررسی اعجاز قرآن، به عنوان سند حقانیت دین مبارک اسلام است و از این جهت، کمک شایانی به افزایش اطلاعات دینی و قرآنی علاقمندان علوم اسلامی می‌نماید. روش تقریباً متفاوت نویسنده در مقایسه با آثار مشابه قبلی در جای خود قابل توجه است و در نهایت اعجاز قرآن را از زاویه دیگری بررسی می‌کند، اما بهتر بود به تناسب عنوان اثر، اعجاز را از دیدگاه روایت و حدیث نیز بیشتر بررسی می‌کرد. این کار می‌توانست اطلاعات خوانندگان را در حوزه اعجاز از دیدگاه روایت بیشتر کند.

۷. میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و کاربرد اثر در برنامه آموزشی

اصولاً تدوین کتاب درسی بر مبنای برنامه درسی صورت می‌پذیرد. برنامه درسی اساس تدوین کتاب درسی و معیار کارآمدی و اثربخشی آن است. بهترین کتاب درسی، کتابی است که به بهترین شیوه ممکن بتواند اهداف برنامه درسی را محقق سازد. بنابراین نویسنده باید دقیقاً مشخص نماید که کتاب درسی مورد نظر مربوط به کدام برنامه درسی است. (بختیاری، ۱۳۹۱: ۴۷) طبق اظهار نویسنده محترم کتاب، اثر مورد بحث یک کتاب درسی است و برای دانشجویان رشته الهیات گرایش علوم قرآن در مقطع دکتری به ارزش دو واحد تألیف شده است. (نजारادگان، ۱۳۹۷: مقدمه) سرفصل ابلاغی مورخه ۱۳۹۶/۱/۳۰

وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری برای مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، رؤوس مباحث این درس را در سه حوزه کلیات، (شامل مفهوم‌شناسی، پیشینه، ارتباط علم اعجاز با سایر علوم قرآن اعم از وحی و نزول، علوم بلاغت، علم کلام و نقش اعجاز در حجیت و اعتبار آن)؛ مباحث اصلی (شامل تبیین چگونگی طرح قرآن از موضوع اعجاز، تحدی در قرآن، معارضه با قرآن و مدعیان نبوت، وجوه اعجاز اعم از نظم، صرفه، اسلوب، معارف و نظامات و تشریح، بلاغت، حقایق و اسرار آفرینش، اخبارغیبی، وجوه بلاغی، ادبی و علمی)؛ و مباحث فرعی (شامل نقد شبهات معاصران در حوزه مباحث اعجاز قرآن کریم و تحلیل اجمالی اهم آثار مرتبط با اعجاز قرآن کریم) پیش‌بینی کرده است. (سرفصل ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری؛ بازنگری شده دانشگاه تهران؛ ۱۳۹۶:۱۳) نگاهی کوتاه به فهرست مطالب اثر یادشده حاکی از فراموش شدن بسیاری از مباحث ابلاغی مصوب است. اگر بپذیریم که به طور کلی اعجاز قرآن را به دو حوزه معرفتی و زبانی می‌توان تقسیم کرد، مباحث زبانی قرآن از لحاظ اعجاز و جنبه‌های مختلف آن، ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی فراوانی دارد که می‌توان دانشجویان دکتری و مخاطبان این کتاب را با آن آشنا نمود. از این-رو جنبه‌های اعجاز‌پژوهی زبانی قرآن از قبیل اعجاز صرفی، نحوی، بلاغی، معناشناسی و حوزه‌های زبان‌شناسی قرآن، در این اثر کاملاً مغفول مانده و نویسنده محترم توجهی به آن‌ها معطوف نداشته است. نویسندگان گفتار حاضر حداقل به سبب تجربه چندی که در تدریس این درس و میزان علاقمندی دانشجویان به طرح این مباحث در کلاس داشته‌اند، پیشنهاد می‌کنند این جنبه از مباحث در این اثر گنجانده شود. برای این کار می‌توان از استادان برجسته زبان و ادبیات عربی آشنا به مباحث زبان‌شناسی کمک گرفت. در غیر این صورت، با اذعان به ارزش‌های فراوان محتوایی این کتاب می‌بایست یادآور شد که مباحث مفهوم-شناسی لغوی و اصطلاحی معجزه، تحدی و معارضه با قرآن تا حدود زیادی برای دانشجویان دکتری از بدیهیات است و آنان در دوره کارشناسی ارشد همین مباحث را در چهار واحد درس نقد و تحقیق در اعجاز قرآن و وجوه آن سپری کرده‌اند. لذا ضرورت دارد به اقتضای حال مخاطب، مباحث تطبیقی و عملیاتی‌تر از اعجاز قرآن را به دانشجویان دکتری تعلیم دهد. به ویژه این‌که نویسنده محترم یکی از اهداف تألیف کتاب خود را سوق دادن دانشجویان به پژوهش در حوزه اعجاز قرآن بیان کرده است.

۸. ضرورت پژوهشی

هر کار علمی برای پیشبرد اهداف آن، باید ضرورت پژوهشی داشته باشد؛ چه در صورت فقدان ضرورت، کار پژوهشی عبث خواهد شد. در این راستا تبیین سؤالات پژوهش کمک شایانی به نمایاندن ضرورت پژوهش می‌کند. چیزی که در کتاب مورد بحث، تا حدی شاهد آن هستیم که چه بسا سبب آن، جزئی بودن سؤالات پژوهش باشد؛ به طوری که نویسنده از صفحه ۱۹ تا ۲۱ حدود ۱۴ سؤال در زیر عنوان پژوهش ذکر می‌کند. با این حال بخشی از این سؤالات، (در حدود شش سؤال) با آیا شروع می‌شود که ناگزیر پاسخ آن‌ها بله یا خیر است. این گونه سؤالات، اهمیت کار پژوهشی را به حاشیه می‌کشاند؛ سؤالاتی نظیر «آیا معجزه امری خارق‌العاده یا ناقض قانون طبیعت است؟ یا آیا معجزه از نظر قرآن تنها برای راستی‌آزمایی آورنده آن است؟ و ...» نمی‌تواند چندان در تبیین ضرورت پرداختن به این موضوع، کارآمد باشد؛ زیرا نمی‌توان با سؤالات سطحی و جزئی به اهمیت و ضرورت پژوهش رسید.

۹. نتیجه‌گیری

کتاب درسی دارای ویژگی‌های گوناگونی است که موفقیت نسبی در آن به چگونگی سازگاری بخش‌های مختلف آن با اصول نگارش کتاب‌های درسی دارد. کتاب "تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت"، تلاشی برای تبیین و تحلیل اعجاز قرآن برای دانشجویان و علاقمندان حوزه مربوطه بوده است. با نگاهی انتقادی به اثر حاضر و مطابقت آن با اصول و معیارهای نگارش کتاب دانشگاهی برخی نقاط ضعف و قوت برای کتاب یاد شده به ذهن می‌رسد که جهت تقویت کتاب پیشنهاد می‌گردد: ۱. از جمله نقاط ضعف آن عبارتند از: ۱. طرح جلد آن بخاطر عدم رعایت رنگ‌های متناسب با محتوا و موضوع کتاب و نیز عدم رعایت ساختار هندسی و اشکال بکار رفته در ظاهر و عدم نگارش خلاصه‌ای کوتاه از محتوای اصلی یا اشاره به هویت مولف و نگارنده کتاب. ۲. فقدان عنوان جذاب به دلیل کاربرد واژه‌ی زائیدی همچون تحلیل که محتوا بدان اشاره می‌کند و استفاده از واژه همانندناپذیری به جای واژه اعجاز که خاص قرآن است و به نوعی انحصار کاربرد واژه اعجاز را در خصوص قرآن از بین برده است. ۳. تکرار مطالب و کلی-گویی؛ طبق بررسی نویسندگان پژوهش حاضر، که با مراجعه به فهرست مطالب و محتوای

هر کدام از عناوین مشخص شد؛ فهرست بیش از ۸۰ درصد محتوای کتاب، تکرار مطالب منابع پیشین در خصوص اعجاز قرآن و مسایل مربوط بدان است. این نقیصه باعث شده که تفکر انتقادی هم در کتاب ضعیف باشد و نهایتاً نتواند تفکر انتقادی را در دانشجویان تقویت کند؛ اغلب سوالات مطرح شده در پایان مباحث کتاب بُعد مساله پژوهی نداشته و یا سوالاتی بدیهی اند یا سوالاتی که جوابشان بله یا خیر است، نهایتاً این ضعف در تقویت تفکر انتقادی و افزایش میزان کیفیت یادگیری دانشجویان تاثیر گذار خواهد بود. ۴. عدم اشاره به ضرورت پژوهش، نویسنده محترم در مقدمه کتاب هیچ اشاره‌ای به ضرورت تحقیق نداشته و ذکر نموده که در ازای منابع فراوانی که در خصوص اعجاز قرآن نگاشته شده است، انجام این تحقیق چه ضرورتی داشته و چه حلقه مفقوده‌ای از مباحث و تحقیقات پیرامون اعجاز قرآن را پیدا و تکمیل می‌کند. ۵. عدم تفکیک مباحث کتاب مبتنی بر عنوان ارایه شده؛ عنوان کتاب تحلیل همانند ناپذیری قرآن در آموزه های قرآن و سنت است؛ از این رو انتظار می‌رفت در بخشی جداگانه، به تحلیل اعجاز قرآن در آموزه های سنت بپردازد که متأسفانه به این مهم پرداخته نشده است.

در کنار نقاط ضعف یاد شده برخی نقاط قوت آن عبارتند از: ۱. حروف‌نگاری زیبا و فونت خوب به‌مراه حاشیه‌نگاری و پاورقی‌های بسیار که گاه در شرح و توضیح واژه‌ها و اصطلاحات مبهم خودنمایی می‌کند. ۲. صفحه‌آرایی زیبا و چشم‌نواز که با پاراگراف بندی های متناسب و بجا خواننده را مجذوب خود نموده و مباحث با این نوع پاراگراف بندی به خوبی از هم متمایز و در سیر متناسبی قرار دارند. ۳. در زمینه محتوا هم مطالب منسجم، سلسله‌وار و منظم آورده شده است، هر کدام از مباحث به نوعی پیش نیاز آموزشی برای مباحث بعدی است؛ این حُسن منجر به تقویت تفکر سیستمی مخاطبان نیز می‌گردد؛ زیرا همانطور که می‌دانیم اگر نویسنده به ایجاد تفکر سیستمی در اثر خود تلاش نماید باعث انسجام ذهن خوانندگان شده و راحت‌تر پیچیدگی‌های یک مساله را درک خواهند نمود. نهایتاً از این طریق توان آموزشی کتاب بالاتر رفته و برای علاقمندان مطالعه در حوزه اعجاز قرآن، کتاب آموزشی مناسبی محسوب می‌شود. ۴. از دیگر محاسن این اثر استناد دهی بالا و امانت داری آن است؛ چرا که مؤلف با ارجاع به منابع غالباً معتبر و اصیل، محتوای آن را قابل اعتماد قرار داده است. در پایان دو پیشنهاد از سوی نویسندگان مقاله حاضر خطاب به مؤلف محترم ارایه میشود: ۱. برای تقویت بیش‌تر محتوا، نویسنده به آخرین یافته‌های موجود در مجموعه مقالات سمینارها و منابع الکترونیکی، مراجعه کند و آن

را روزآمدتر نموده و جامعیت آن را ارتقا دهد. ۲. برای تدریس درس «اعجاز قرآن کریم» از منابعی با زبان اصلی (عربی) بهره گرفته شود تا ضمن آشنایی دانشجو با زبان عربی به عنوان زبان قرآن، مقدمات فهم متون به زبان اصلی نیز فراهم گردد. پیشنهاد نویسندگان، کتاب فکرة إعجاز القرآن من البعثة النبویه إلى عصرنا الحاضر از نعیم الحمصی، می باشد. ۳. شاهد مثال ها و نمونه هایی از اعجاز قرآن در قالب الفاظ و واژگان و تحلیل های پیرامون آن ارائه شود. زیرا همانطور که می دانیم اعجاز قرآن در دو بُعد لفظی و محتوایی است، که نویسنده محترم تنها به اعجاز از جنبه محتوایی پرداخته و از جنبه لفظی غافل بوده است.

کتابنامه

- ابن فارس زکریا، أبوحسین أحمد. (۱۳۶۶ ق). ترتیب مقایس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. اسلامی، سیدحسن. (۱۳۹۱)، اخلاق و آیین نقد کتاب، تهران: خانه کتاب.
- بختیاری، حسن. (۱۳۹۱)، «الگوی طرح تألیف کتاب»، فصلنامه مدیریت آموزش انتظامی، شماره ۲۰، صص ۶۷-۴۱
- حری، عباس. (۱۳۸۱)، آیین نگارش علمی، تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۰)، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، چاپ نهم، تهران: نشر بازتاب.
- رضی، احمد. (۱۳۸۸)، «شاخص های ارزیابی و نقد کتاب های درسی دانشگاهی»، سخن سمت، شماره ۲۱، صص ۳۰-۲۱.
- زارع برمی، مرتضی. (۱۴۰۰)، «نگاه انتقادی به ساختار و محتوای کتاب ادب المقاومة»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شماره ۲، صص ۱۲۱-۹۷
- سرفصل ابلاغی مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۲). کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث.
- طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۶). درآمدی بر دانش مفردات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، ویراست دوم.
- علی اکبرزاده، مهدی. (۱۳۷۰). «روان شناسی رنگ ها»، مجله تربیت، شماره اول، سال هفتم.
- غلامعلی پور زرنندی، هما. (۱۳۹۹). «طراحی جلد کتاب های حسین پناهی با استفاده از تصویرسازی با رویکرد جذب مخاطب»، دو ماهنامه پژوهش در هنر و علوم تخصصی، شماره ۶، بهار، صص ۴۸-۲۷

۱۵۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۷، مهر ۱۴۰۱

فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، ج ۹، تهران: نشر سخن.
قاسمی، حمید، سارا کشتگر و لیلا ایزدپرست. (۱۳۹۴)، روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب، تهران:
نشر جامعه‌شناسان.

معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده. (۱۳۹۴)، تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان: سپهر
دانش.

ملکی، حسن. (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتب درسی»، سخن سمت، شماره ۱۵، ص ۹-۲۴.
منصوریان، یزدان. (۱۳۹۲)، «صد ویژگی کتاب‌های درسی دانشگاهی اثربخش و کارآمد»، دوفصلنامه
پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۹، ص ۱-۱۷
نजारادگان، فتح‌الله. (۱۳۹۷). تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت،
تهران: سمت.

نبیلی احمدآبادی، محمدرضا و علی دانا. (۱۳۹۶)، «جستاری بر ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی نقادانه
کتب درسی دانشگاهی»، شماره ۷، ص ۲۱۹-۲۳۳.

Hawzanews.com/877597.

Najarzadegan.ir.